

کاربست تکنیک چیدمان فضایی جهت بازآفرینی و هویت‌بخشی کالبدی محلات شهری (نمونه موردی: محله عسگرخان شهر ارومیه)

علی مصیب زاده^۱

شراره خیاط سلیقه دار^۲

چکیده

محله‌های شهری که سلول‌های خرد شهری محسوب می‌شوند، به مرور زمان چالش‌هایی را از سر می‌گذرانند که یکی از اساسی‌ترین این چالش‌ها، دگرگون شدن چهره محله از طریق تغییر کالبدی بدون در نظر داشتن مورفولوژی شهری و تاریخ محلات قدیمی، سکونت افراد جدید در محله بدون داشتن هیچ حس تعلق به محله و آشنایی با گذشته و تاریخ محلات، بحران هویتی و نابودی شخصیت قدیمی محلات در اثر توسعه نامتناسب فضایی، که منجر به از بین رفتن روابط اجتماعی و حس تعلق در محله می‌شوند، می‌باشد. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی رابطه بین هویت و تغییرات کالبدی محله عسگرخان شهر ارومیه و هویت‌بخشی محله با استفاده از روش چیدمان فضایی می‌باشد. نوع تحقیق کاربردی بوده و روش آن توصیفی-تحلیلی است. جهت گردآوری داده‌ها از روش مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و میدانی بهره گرفته شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین) و آمار استنباطی (آزمون پیرسون) در نرم افزارهای Excel و Spss و روش چیدمان فضایی در نرم افزارهای Depth Map و QGIS استفاده شد. یافته‌های پژوهش بر اساس همبستگی به دست آمده از آزمون پیرسون (۰/۴۴۶) و همچنین سطح معنی داری (Sig: 0.000)، حاکی از رابطه خطی و مثبت بین هویت محله و شاخص‌های کالبدی در محله است. بر اساس آنالیز تکنیک چیدمان فضایی نیز مسیرهای مهم محله در سه تیپ تقسیم بندی شده و بر اساس آن جهت ارتقای وضعیت کالبدی و تقویت ارتباطات اجتماعی و هویت و حس تعلق در محله در بعد کالبدی از جمله ارتقای کمی و کیفی کاربری‌ها، قرارگیری عناصر و نشانه‌های محلی در کنار مسیرهای مهم محله، ایجاد ارتباط بین گذشته و حال از طریق عناصر واسط و پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: چیدمان فضایی، هویت‌بخشی کالبدی، محله عسگرخان، ارومیه.

مقدمه

هویت، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی می‌باشد که به وسیله آن می‌توان یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر را تشخیص داد (زارعی و عرفانی، ۱۳۹۷، ۱۶). شهرها نیز مانند انسان‌ها ویژگی‌ها، هویت و شخصیت مخصوص به خود (Topcu, 2011, 1048) و دارای روح می‌باشند (Kayapak, 2010, 373). روح شهر که منشأ آن بخش مهمی از هویت و معنای شهر می‌باشد در توسعه، سرزندگی و قابلیت سکونت آن شهر تأثیر مهمی می‌گذارد (صالحی زلانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۱۹). از اجزای اصلی و بااهمیت در افزایش هویت شهر، محلات شهر، هستند که در طول سالهای گذشته جزئی جداناپذیر از محیط شهری بوده و بخش بزرگی از بار معنایی و هویتی شهر بردوش محله‌ها بوده است (Eben Saleh, 2000, 445). هویت یک محله، با موضوعات بسیاری از جمله با ساکنین محله، باورها، شیوه زیست، آرمان، فرهنگ، جهانی‌بینی و غیره، در ارتباط و جدا نشدنی است (بالالی اسکویی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۸). از ویژگی‌های محلات

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

شهری، ایجاد و افزایش حس تعلق و هویت در بین ساکنین بوده است و این احساس به گسترش روح مشارکت کمک کرده و سبب بهبود و افزایش کیفیت زندگی می‌شود (رحمانی و پورجعفر، ۱۳۹۵، ۲۰).

در حال حاضر از بحران‌های زندگی بشر، بحران هویت و یا احساس بی‌هویتی در بیشتر سرزمین‌ها و جوامع محسوب می‌شود (حسین آبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۰)؛ در دهه‌های گذشته به علت عواملی مانند جهانی شدن، شهرها نیز با مرور زمان در حال تغییر و تحول‌اند؛ این تغییرات در الگوهای فضایی- کالبدی آنها از جمله چیدمان فضایی، فرم ساختمان‌ها و... خود را نمایان ساخته است. این عوامل و روش‌های جدید معماری و شهرسازی بر درک مردم از خود و هویت خود تأثیر بسیاری گذارده است (Musa, 2013, 1). شهرهای ایرانی نیز از این تأثیر بهره‌برده و سرعت زیاد گسترش ساختاری- کالبدی و آثار نامطلوب آن در زمینه‌های کالبدی و اقتصادی در چند دهه اخیر باعث؛ هزینه‌های سنگین ارتباطات حمل و نقلی و خدماتی شهری، مصرف زیاد انرژی، آلودگی محیط زیست، نابودی زیبایی و هماهنگی و یکپارچگی محیط شهری، روابط ناپایدار اجتماعی، اتلاف سرمایه‌های مادی و اجتماعی در شهر، افزایش دوبرابری جدایی‌گزینی اجتماعی و بی‌هویتی اجتماعی، که از مهم‌ترین چالش‌های شهری در بحث گسترش ناموزون فضایی- کالبدی به شمار می‌روند، شده است. (خدابخش و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۵۸). در این راستا شهرها دائماً در حال تغییر شکل دادن به مکان‌های فاقد معنی و هویت و بیگانه با ادراک ساکنان هستند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۲). در چنین وضعیتی می‌بایست با مدیریتی پیشرفته، صحیح و با برنامه‌ریزی مناسب، در جهت تقویت و افزایش هویت محله‌ای تلاش نموده و این هویت و تعلق باید در تمام سطوح مورد توجه قرار گیرد و دوباره زنده شود و طریق‌های افزایش ظرفیت‌های هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی را برای بهتر کردن کیفیت زندگی بشر بررسی کرد (سلیمی، ۱۳۹۹، ۲).

محله عسگرخان واقع در هسته مرکزی و قدیمی شهر ارومیه، جزء محلات تاریخی و قدیمی در شهر ارومیه محسوب می‌شود که در گذشته از ۷ دروازه اصلی دروازه قاجاریه بود. محله ذکر شده به طور متوالی دستخوش تغییرات کالبدی- فضایی در بافت خود بوده و این تغییرات در نهایت دگرگونی وضعیت کالبدی و کارکردی، اقتصادی، اجتماعی و معنایی محله در دوره‌های مختلف را سبب شده است. از جمله این تغییرات می‌توان به نخستین سال‌های سده ۱۳۰۰ ه.ش، در زمان رضاشاه، و شروع برنامه‌های گسترش شهر به دستور وی، برج و بارو و دروازه‌های شهر از جمله دروازه عسگرخان، تخریب و دگرگونی‌هایی در اجزای کالبدی محله بوجود آمد و به جای بارو (حصار شهر) نیز خیابان‌هایی ایجاد گردید که تشخیص حدود شهر قدیم از مسیر آنها میسر می‌باشد. همچنین در سال‌های گذشته با افزایش ساخت و سازهای داخل محدوده و اطراف و توسعه کالبدی از این طریق، تراکم ساختمانی و توسعه عمودی رو به افزایش گذاشته و چهره قدیمی بافت محله رفته رفته دچار زوال شده و به دنبال آن موجب از بین رفتن هویت کالبدی و کمرنگ شدن حس تعلق ساکنین به محله گردیده است. در همین راستا یکی از اهداف پژوهش حاضر بررسی دقیق وضعیت هویت کالبدی و میزان رضایت ساکنان از شاخص‌های کالبدی در محله، و ارزیابی رابطه میان رضایت از محیط کالبدی و افزایش هویت در بین ساکنان محله می‌باشد و در جهت ارائه راهکارها و پیشنهادات مطلوب برای ارتقای هویت کالبدی در این محله از تکنیک چیدمان فضایی بهره‌برده شده است. راجع به موضوع پژوهش حاضر، تاکنون مطالعات داخلی و خارجی گوناگونی انجام شده است که در ادامه به برخی از مرتبط‌ترین این مطالعات اشاره می‌شود.

کاظمینی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بازشناسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت‌مندی در محله‌های تاریخی و قدیمی ایرانی (مطالعه موردی محله شنیدی بوشهر) پرداخته‌اند. داده‌های تحقیق در پژوهش خود از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده‌اند و با بکارگیری روش‌های آماری تحلیل عاملی و آزمون همبستگی پیرسون تحلیل شده‌اند. پژوهش مذکور ادعا می‌کند که احساس تصویر ذهنی، آرامش و احساس تعلق خاطر دارای رابطه قوی و معنادار با هویت‌مندی ساکنان در محلات قدیمی ایرانی می‌باشند و همچنین احساس آرامش بالاترین همبستگی را با هویت‌مندی در این سکونت‌گاه دارا می‌باشد.

حسین آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی نمونه مطالعه: محله کلاه فرنگی سبزواری پرداخته‌اند. نگارندگان در این پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و کاربست مؤلفه ارزیابی بیرونی، آشنایی، تداوم با گذشته، تعهد و تعلق به مکان، هویت مکانی را برای این پژوهش استفاده کرده‌اند. نتایج نشان داده است که،



مؤلفه‌های هویت مکانی به غیر از مؤلفه ارزیابی بیرونی در سطح مناسبی قرار داشته و علاوه بر تغییراتی که در بافت فیزیکی محله کلاه فرنگی صورت گرفته است، ساکنان این محله همچنان دارای احساس هویت مکانی نسبتاً زیادی می‌باشند. همچنین از عوامل موثر بر هویت مکانی، مدت اقامت در محله، مالکیت مسکن، تعاملات اجتماعی و احساس امنیت را بر شمرده‌اند.

عنان‌هادر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله شهری، مطالعه موردی: محله قدیمی ساغریسازان رشت پرداخته‌اند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، بر مبنای استدلال منطقی و با استفاده از راهبرد ترکیبی (کیفی-کمی) بوده و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با ابزار پرسشنامه در محیط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصله از این پژوهش بیانگر وابستگی معنادار ساکنین در واحدهای مسکونی قدیمی، نسبت به آپارتمان سازی‌های جدید در محله ساغریسازان می‌باشد. از جمله دلایل این مسئله عبارتند از: مشکلات اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی موجود در بافت قدیم، یکنواختی محیط و بلندمرتبه سازی، کاهش هویت بومی، فقدان حس زندگی جمعی، مهاجرپذیری، فقدان خاطرات جمعی در آپارتمان نشینی، عدم انس با محیط، تغییر نگرش مردم به زندگی.

غلامی و حیاتی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که محله اوین قدمتی بیش از هزار سال داشته و هویت کالبدی و میزان تعلقات مکانی ساکنین آن در اثر شرایطی دچار دگرگونی شده است. نتایج بررسی میزان وابستگی هویت کالبدی و انسجام اجتماعی نیز نشان داده است که کاهش هویت کالبدی در محله اوین، سبب جدافتادگی و کم شدن روابط اجتماعی و پیوستگی محله‌ای در محله گردیده است، بنابراین رابطه نزدیکی بین دو متغیر هویت کالبدی و انسجام اجتماعی برقرار است.

هاثوی (۲۰۱۳) در پژوهشی ارتباط بین هویت مکانی و توسعه پایدار را در سطح خانوار در دو محله شهر پورتلند ایالت اورگن مطالعه نمود. نتایج بیانگر شباهت دو محله از نظر جمعیت شناختی می‌باشد؛ اما در یکی هویت محله ای پایدار است و در دیگری نیست. در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه سطح مشارکت افراد در محله، حس تعلق به محیط و گرایش به عملکردهای پایدار بررسی شده است. یافته‌ها نشان داده است که مشارکت در محله بر پایداری خانوار در پورتلند تأثیر گذار است. علاوه بر این نتایج این پژوهش نشان داده است که شهر یا ناحیه بر پایداری ادراک شده خانوار بیش از پایداری محله می‌تواند اثر بگذارد.

اوجنگ (۲۰۰۸) در پژوهشی تأثیر تعلق مکانی را بر درک ساکنان از هویت شهری را مورد بررسی قرار داده است. نگارنده در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسش نامه و مصاحبه با کاربران اصلی خیابان‌های تجاری شهر کوالالامپور مالزی، به این نتیجه رسیده است که در ایجاد هویت مکانی، نقاط اصلی فعالیت به مثابه مراکز اقتصادی، ساختمان‌های متمایز و فروشگاه‌های معروف، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

مبانی نظری

در باب مبانی نظری و ادبیات پژوهش، هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات "شخصیت" و "حس مکان" هم‌معنی است و به معنای صفات و خصوصیتی می‌باشد که جسم شهر را از غیر جدا می‌کند و شباهتش را با خودی نمایان می‌سازد. این صفات باید بصورتی ایفای نقش کند که جسم شهر، در عین حفظ تداوم زمانی، در حال دگرگونی و کامل شدن نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود (غلامی و حیاتی، ۱۳۹۲، ۱۰۳). محله‌های شهری یکی از مهم‌ترین انواع یا سطوح مکان‌های موثر بر شکل‌گیری هویت افراد یا ساکنین به شمرده می‌شوند. به عبارتی، هویت محله‌ای یکی از شکل‌های هویت مکانی به حساب می‌آید (شعبه و حاجیانی، ۱۳۹۸، ۷۳ و ۷۴) و از آنجایی که «هویت»، ویژگی‌هایی است که باعث «تمایز» یک فرد یا گروه از افراد و گروه‌های دیگر می‌شود؛ محله نیز با پیروی از این معیار، شخصیت پیدا کرده و مستقل می‌شود (جهانی دولت آباد، ۱۳۹۳، ۸۶). به شیوه بیان دیگر، محله با داشتن هویت محله‌ای خاص خود از سایر مکان‌ها و محله‌ها متمایز و جدا می‌شود. هویت در محله به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در ساکنان تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان ایجاد کرده و آنها را به «هم محله‌ای‌ها» که گستره ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، تبدیل میکند. لینچ محله را در قالب عناصر پنجگانه راه، نشانه، محله، گره و محله چنین توصیف کرده: "محله منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از

برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی است، به گونه ای که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس کند" به عقیده وی محله قسمت نسبتاً بزرگی می باشد که دارای ویژگیهای یکسان و متشابه باشد (جهانی دولت آباد و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۹۵). به طور کلی می توان ادعا کرد، یک مکان جغرافیایی هم دارای بعد مادی و هم غیرمادی می باشد و نوعی احساسات در ساکنین خود بوجود می آورد. به وسیله این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد می شود که باعث شکل گیری هویت مکانی گردیده و همگام با برنامه ریزی پست مدرن در سطح محله های شهری مطرح شده است. در این زمینه جغرافیا با یک نگرش کل نظر و نظام مند، بازبایی و حفظ هویت را با روش توجه به مجموعه ای از واقعیات مکانی - فضایی دنبال می کند. در حقیقت از زاویه این دیدگاه، هویت زمانی وجه واقعی به دست می آورد که همه عناصر کالبدی در ارتباط با هم، یک فضای کارکردی خاص خلق کنند که از برهمکنش این مجموعه هویت در فضا تشکیل می شود (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۵).

نظریه «چیدمان فضا» در دهه ۱۹۷۰ توسط هیلیر و هانسون ابداع و رواج آن در سرتاسر جهان توسط هیلیر انجام شد (طبرسا و همکاران، ۱۳۹۷، ۸). چیدمان فضا یک روش رایج برای تجزیه و تحلیل فضا از نظر معماری (Penchev, 2016, 130) رابطه بین فضاهای شهری و بناهای شهری است. معماران و طراحان شهری معمولاً از این روابط با اصطلاح «طرح استقرار» یا «استخوان بندی فضایی» یاد می کنند. در اینجا، انتظام فضاها در کنار هم به معنی ارتباطات درونی فضاها هست که مصرف کننده از آن بهره می برد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که روابط اجتماعی افراد استفاده کننده از فضاها را می توان با درک روابط بین فضاها باز شناخت. با این دیدگاه که هر بنا یا بافت شهری یک «پدیده اجتماعی» شناخته می شود، و از حرفه معماری و طراحی شهری در زمره «هنر اجتماعی» نام برده می شود (بیمانی و ذوالقدر، ۱۳۹۰، ۱۲۱). به اعتقادات این تئوری فضای شهری محصول روابط محسوب شده و اهداف اجتماعی ارتباط بین فضاهای شهر را مد نظر دارد. در این راستا با درک ارتباط بین فضاهای شهری می توان به درک الگوهای رفتاری و تحلیل های کمی و کیفی کمک کرد (جهانی، ۱۳۹۲، ۵). در رابطه با این موضوع اعتقاد هیلیر بر این است که فرم های فضایی و اجتماعی رابطه بسیار نزدیکی دارند که این رابطه موجب می شود، ساختار فضایی شهر الگوهای توزیع کاربری، ارتباطات، جرائم شهری، مکان یابی اسکان مهاجران، و ... را به خودی خود طرح سازی نماید (Hillier, 2007, 1). بنابراین چیدمان فضا به درک چگونگی شکل گرفتن استخوانبندی فضا کمک می کند به گونه ای که عوامل اجتماعی ای که موجب شکل گرفتن فضاها شده اند را نیز بررسی می کند (Hillier and Vaughan, 2007, 2). در واقع روش تحلیل چیدمان فضا به پیامد تغییرات فرم کالبدی شهرها، خصوصاً شبکه راه ها، بر ذهنیت و در نتیجه بر شناخت رفتار شهروندان کمک می کند (روشنی و ثقفی اصل، ۱۳۹۵، ۵۸) و با تجزیه و تحلیل ارتباط تمام فضاهای شهری با یکدیگر، نتایج را به شکل شاخص های ریاضی و گرافیکی توصیف می کند و راهکارهای مناسبی برای شناسایی و تحلیل برهمکنش فعالیت و کالبد در محدوده های مستعد و مطلوب که در نگرش توسعه محرک های محله ای است، ارائه می کند (زلفی گل و سجادزاده، ۱۳۹۶، ۵۴).

داده و روش ها

نوع پژوهش بر اساس هدف کاربردی بوده و از لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده ها و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه ای - اسنادی و میدانی انجام شده است؛ جهت گردآوری مبانی نظری و ادبیات تحقیق و استخراج شاخص های تحقیق از مطالعات کتابخانه ای - اسنادی شامل کتب، مقالات، پایان نامه ها و ... بهره گرفته شده است. داده های مربوط به نمونه مورد مطالعه تحقیق نیز از طریق برداشت های میدانی در قالب پرسشنامه به دست آمده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه سرپرستان خانوار محله عسگرخان شهر ارومیه می باشد که با توجه به جمعیت محله بر اساس آخرین سرشماری (۳۰۱۰ نفر) و بعد خانوار محله که ۳/۱ می باشد، تعداد خانوارهای این محله، ۹۷۱ خانوار برآورد شده است و با بکارگیری روش تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۱۱۴ سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه تعیین شده است. شیوه نمونه گیری و توزیع پرسشنامه های تحقیق نیز به صورت تصادفی سیستماتیک بوده است. پرسشنامه تدوین شده شامل دو بخش سنجش هویت محله و میزان رضایت از محیط کالبدی محله می باشد و بر اساس طیف لیکرت (۱- بسیار کم ۲- کم ۳- متوسط ۴- زیاد ۴- خیلی زیاد) طراحی شده است. روایی ابزار تحقیق از طریق ارزشیابی پرسشنامه ها توسط اساتید دانشگاه و متخصصین مورد بررسی قرار گرفته و پایایی آنها با استفاده از آلفای کرونباخ انجام شده است (جدول ۲). تجزیه و تحلیل

داده‌های پژوهش در سه مرحله انجام شده است؛ در مرحله اول جهت بررسی و سنجش میزان هویت محله و همچنین میزان رضایت ساکنان از شاخص‌های کالبدی در محله، با انجام و محاسبه آمار توصیفی میانه و میانگین در نرم افزارهای Excel و Spss، میانگین حاصله در هر یک از مولفه‌ها و معیارها با حد متوسط ۳ در طیف لیکرت مقایسه و ارزیابی‌ها انجام شده است. در مرحله دوم با بکارگیری آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار Spss، رابطه میان رضایت از محیط کالبدی و افزایش هویت در بین ساکنین محله، بررسی شده است و نهایتاً در مرحله سوم و نهایی تجزیه و تحلیل داده‌ها، با بکارگیری نرم‌افزارهای QGIS، DEPTH MAP و نقشه‌های پایه شهر، از تکنیک چیدمان فضای به منظور بررسی ارتباطات محدوده با خود و محدوده‌های پیرامون و ارائه راهکارها و پیشنهادات ارتقای هویت کالبدی محله استفاده شده است.

محله عسگرخان یکی از محلات منطقه ۴ شهر ارومیه می‌باشد (شکل ۱). از تاریخی‌ترین محلات شهر ارومیه، محله عسگرخان می‌باشد که دلیل نامگذاری آن یکی از سرداران معروف و میهن‌پرست به اسم «عسگرخان» که اولین سفیر ایران در فرانسه بود، می‌باشد. محل قرارگیری دروازه عسگرخان که از ۷ دروازه اصلی شهر ارومیه می‌باشد، در این محله است. فروریختن این دروازه همزمان بود با حمله سپاه عثمانی به این شهر در نیمه اول قرن دوازدهم هجری. محله عسگرخان به علت قرارگیری در مرکز شهر، بیشترین کاربری مسکونی را دارا می‌باشد و سایر کاربری‌های مختلط نیز محدوده وجود دارد. محور اصلی محله، خیابان عسگرخان و مفتوح و خیابان‌های اصلی اطراف محدوده خیابان عطایی ۲، سرداران و حب نقی، سید جواد و حافظ می‌باشند. یکی از روش‌های به کار رفته در این پژوهش، استفاده از ساکنان محله برای تعیین حد و حدود محله عسگرخان می‌باشد. علت این امر، یکی نبودن محله عرفی و تقسیمات کالبدی محلات در طرح‌های فرادست می‌باشد. در این روش، از افراد محله در مورد فواصل جدایی محله‌شان از سایر محله‌های اطراف، سوال نموده و روی نقشه براساس فراوانی نقاط بدست آمده، مرز محله عسگرخان مشخص گردید.

روش‌های محله‌بندی:

برای محله‌بندی عوامل مختلفی دخیل هستند، از جمله این عوامل عبارتند از: عوامل جغرافیایی، عوامل اجتماعی، یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی گروهی از مردم، و یا معیار اصلی جمعیت و شعاع دسترسی معین.

۱- محله از دیدگاه علوم اجتماعی

از نظر دسته‌ای از متخصصین حوزه علوم اجتماعی، محله حوزه کوچک مسکونی را شامل می‌شود که میان ساکنان روابطی وجود دارد که با واقعیت و کیفیت نزدیکی آنان با یکدیگر دلالت دارد.

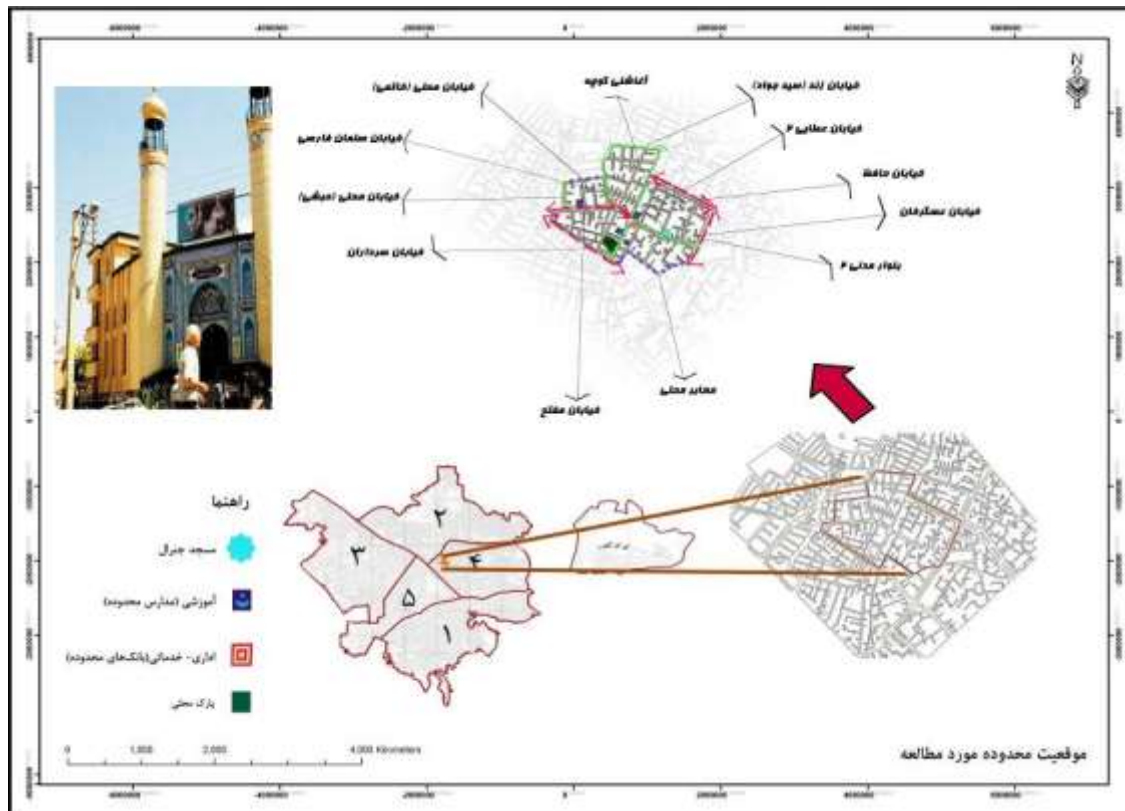
۲- محله از دیدگاه جغرافیای شهری و اجتماعی

در زمینه جغرافیایی، محله دارای مفهوم دارابودن مکان معین و همچنین به اجتماعی گفته می‌شود که در چنین فضایی ساکن هستند و دارای برخوردهای فراوان با یکدیگر می‌باشند.

۳- محله از در مطالعات شهری

در مطالعات شهری، محله به محدوده‌ای از شهر و یا مجموعه‌ای از کاربری‌های خدماتی و مسکونی که گرد هم آمده و نیازهای ساکنین را تأمین می‌کنند، در ساختار شهر گفته می‌شود.

علاوه بر تعریف‌های حیطه‌های علمی مختلف در بیان محله که تعاریف آنها در شناسایی محله در بالا ذکر شد، روش‌های مختلف دیگری برای معرفی و تعریف مفهوم محله به عنوان رویکرد تعریف براساس گذشته تاریخی نیز می‌توان ارائه کرد. یکی از این رویکردها، رویکرد ادراکی می‌باشد که در این رویکرد مرز محلات عرفی با شناخت افراد ساکن محله از مرز محله و با اطلاعات به جا مانده از گذشته، شناخته می‌شوند. در این روش، میزان شناخت افراد از محل زندگی خود، همچنین میزان ارتباطات اجتماعی مردم داخل محدوده، خدمات تأمین کننده نیاز ساکنین، و میزان تعلق خاطر شهروندان، ارزیابی می‌شود.



شکل (۱). بررسی عرصه پژوهش
منبع: نگارندگان.

جدول (۱). مولفه ها، معیارها و گویه‌های پژوهش، ماخذ نگارنده: براساس یافته‌های تحقیق

مفهوم	شاخص	معیار	گویه
فرم	فرم	موقعیت	دسترسی به محله / موقعیت قرارگیری محله در شهر
		منظر	مکان‌های مورد توجه و ماندگار در ذهن مردم.
معنا	معنا	تعاملات اجتماعی	میزان ارتباطات صمیمی با همسایگان / هم صحبتی افراد درون محله / مشارکت در فعالیتهای مربوط به محله
		نمایان بودن	ویژگی خاص محله / نشانه‌های شاخص
		حس تعلق خوانایی	تمایل به ادامه سکونت / تعلق خاطر / میزان شناخت از تاریخ محله مرز مشخص محله / آدرس یابی محله توسط غریبه‌ها
عملکرد	عملکرد	آداب و رسوم	چگونگی مشارکت در مراسم آئینی و مذهبی و دینی
		کیفیت معابر	میزان رضایت از کیفیت معابر
خدمات محله‌ای	خدمات محله‌ای	استفاده از مکان	مکانهای شکل گیری فعالیت‌های جمعی
		دسترسی و توزیع خدمات	نحوه دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، فرهنگی، فضای عمومی) / توزیع فضاهای عمومی و خدماتی محله / وضعیت بهداشتی محله
کیفیت خدمات کالبدی	کیفیت خدمات کالبدی	کیفیت خدمات محله‌ای	کیفیت خدمات شهری در محله (آموزشی، فرهنگی و فضای عمومی) / کیفیت معابر / وضعیت بهداشتی
		کیفیت بنا، معابر	میزان رضایت از کیفیت معابر / میزان رضایت از کیفیت بناهای احداث شده / میزان رضایت از مرتفع کردن ساختمان‌ها



جدول (۲). پایایی ابزار پژوهش، ماخذ نگارنده: براساس یافته‌های تحقیق

مولفه ها	شاخص	تعداد گویه	Cronbach's Alpha
هویت محله‌ای	شکل محله	۲	۰.۷۴
	احساس و معنای محله	۸	۰.۶۵
	عملکرد محله	۵	۰.۵۴
	مجموعه سوالات هویت	۱۵	۰.۷۶
	رضایت از خدمات محله‌ای	۲	۰.۶۵
رضایت از محیط کالبدی	رضایت از کیفیت خدمات	۳	۰.۶۹
	کیفیت محیط کالبدی	۳	۰.۵۳
	مجموعه سوالات کالبدی	۸	۰.۷۷

تجزیه و تحلیل داده‌ها در جهت پاسخ به سؤال

اطلاعات لازم برای بررسی وضعیت هویت محله‌ای، میزان رضایت ساکنین از وضعیت کالبدی محله و رابطه میان رضایت از محیط کالبدی و افزایش هویت در بین ساکنین محله، با تکمیل پرسشنامه‌های طراحی شده بین ۱۱۴ سرپرست خانواری که به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شده اند، بدست آمده که در ادامه به تجزیه و تحلیل داده ها و تفسیر نتایج پرداخته شده است.

بررسی وضعیت هویت در محله عسگرخان شهر ارومیه

برای ارزیابی هویت محله عسگرخان شهر ارومیه از شاخص‌های حس تعلق، میزان مشارکت، خوانایی و عملکرد مورد بهره گرفته شده است (جدول ۳). میانگین کل بدست آمده در این بخش ۳/۱۰ می باشد که در طیف لیکرت برابر حد متوسط ۳ بوده و بیانگر اینست که محله عسگرخان در تأمین نیازهای هویتی ساکنین، عملکردی در حد متوسط داشته است. شاخص «خوانایی محله» دارای بالاترین میزان میانگین بوده و به معنی بالا بودن خوانایی محله می‌باشد. در اطلاعات بدست آمده از مصاحبه با افراد ساکن محدوده، نشان داد که محدوده محله به خوبی از محلات دیگر جدا شده است و این خود سبب خوانایی بالای محله محسوب می‌شود. پایین ترین میانگین بدست آمده نیز مربوط به شاخص «میزان تعاملات اجتماعی مردم محله» است؛ ساکنان محله در این زمینه بیان داشته اند تمایل کمتری به برقراری ارتباط صمیمی و رفت و آمد با همسایگان خود داشته و میزان تعاملات اجتماعی در محله پایین می‌باشد.

جدول (۳). نتایج حاصل از ارزیابی هویت در محله عسگرخان شهر ارومیه، ماخذ نگارنده: براساس یافته‌های تحقیق

میانگین کل	میانگین شاخص (درصد فراوانی)	معیارها
۳/۱۰	۳	احساس تعلق و وابستگی به محله
	۳/۸۶	خوانایی محله
	۲/۶۴	میزان مشارکت در فعالیتهای گروهی
	۳/۵۷	میزان علاقمندی مردم به محله
	۲/۴۶	میزان تعاملات اجتماعی مردم محله

سنجش شاخص‌های کالبدی در کسب رضایت مردم محله عسگرخان

ارزیابی رضایت شهروندان محله عسگرخان از شاخص‌های کالبدی این محله نظیر نحوه دسترسی به خدمات محله‌ای، کیفیت خدمات شهری در محله، کیفیت معابر، مرتفع کردن ساختمان ها و بناهای احداث شده (جدول ۴)، حاکی از پایین بودن رضایت آنان در اکثر این شاخص ها و وضعیت نامطلوب کالبدی محله می‌باشد؛ محله مذکور در تأمین نیازهای ساکنین در زمینه دسترسی به خدمات و توزیع

فضاهای خدماتی موفقیت نسبی کسب کرده. اما در سایر شاخص ها از جمله کیفیت خدمات محله، موفق به کسب رضایت ساکنان خود نبوده و ۴۰ درصد از مردم از کیفیت معابر و ۸۰ درصد از کیفیت خدمات شهری در محله ناراضی بوده‌اند. همچنین ۸۰ درصد مردم محله از مرتفع ساختن بناهای جدید ناراضی می‌باشند و از ساختمانهای مرتفع ساخته شده در محله با معابر با عرض کم، شکایت دارند.

جدول (۴). نتایج سنجش میزان رضایت از شاخص‌های کالبدی در محله عسگرخان شهر ارومیه، ماخذ نگارنده: براساس یافته‌های تحقیق

میانگین کل	میانگین شاخص (درصد فراوانی)	معیارها
۲/۵۶	۳/۳۶	نحوه دسترسی به خدمات محله ای
	۱/۷۲	کیفیت خدمات شهری در محله
	۳/۰۵	کیفیت معابر
	۲/۶۰	مرتفع کردن ساختمان ها
	۲/۰۷	بناهای احداث شده

بررسی رابطه بین رضایت از محیط کالبدی و افزایش هویت در بین ساکنین محله

پس از بررسی وضعیت هویت محله عسگرخان و میزان رضایت ساکنین از شاخص‌های کالبدی در این محله، با استفاده از آزمون پیرسون رابطه بین رضایت از محیط کالبدی و افزایش هویت در بین ساکنین محله مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۵). همبستگی به دست آمده از آزمون پیرسون، ۰/۴۴۶ می‌باشد، که با توجه به ساختار آزمون این ضریب به دست آمده در دامنه همبستگی بین ۰/۳۵ تا ۰/۶۵ قرار گرفته و نشان از همبستگی بالای بین دو مولفه بررسی دارد. همچنین سطح معنی داری بدست آمده (Sig: 0.000) گویای اینست که بین هویت محله و شاخص‌های کالبدی یک رابطه خطی و مثبت برقرار است؛ به این معنی که با افزایش رضایت مردم از شرایط کالبدی محله خود، هویت محله نیز در پی افزایش حس تعلق خاطر و علاقمندی ساکنین به محیط زندگی خود و ... افزایش می‌یابد.

جدول (۵). نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، ماخذ نگارنده: براساس یافته‌های تحقیق

مولفه ها	نوع آزمون	مقدار	سطح معناداری (Sig. (2-tailed))
هویت محله ای	همبستگی پیرسون (Pearson Correlation)	۱	۰/۰۰۰
رضایتمندی از شاخص - های کالبدی		۴	۰/۰۰۰

استفاده از روش چیدمان فضایی و ارائه راهبردهای ارتقا هویت کالبدی محله عسگرخان شهر ارومیه

در ادامه تجزیه و تحلیل‌های پژوهش حاضر، با توجه به نتایج حاصل آزمون پیرسون که مشخص شد بین میزان رضایت از شاخص‌های کالبدی و افزایش هویت میان ساکنین محله رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد از روش چیدمان فضایی جهت انتظام فضایی و افزایش هویت در بین ساکنین محله عسگرخان، استفاده شده است. جهت انجام این روش از نقشه‌های پایه شهر و نرم افزارهای Depth Map و QGIS استفاده شده است، مراحل انجام و نتایج این تکنیک به شرح زیر می‌باشد.

مرحله اول: ابتدا بر اساس نقشه‌های پایه شهر و محله عسگرخان ارومیه، عناصر شاخص لینچی (از جمله راه‌های اصلی، گره‌ها، نشانه و ..) شناسایی و مشخص شده‌اند.

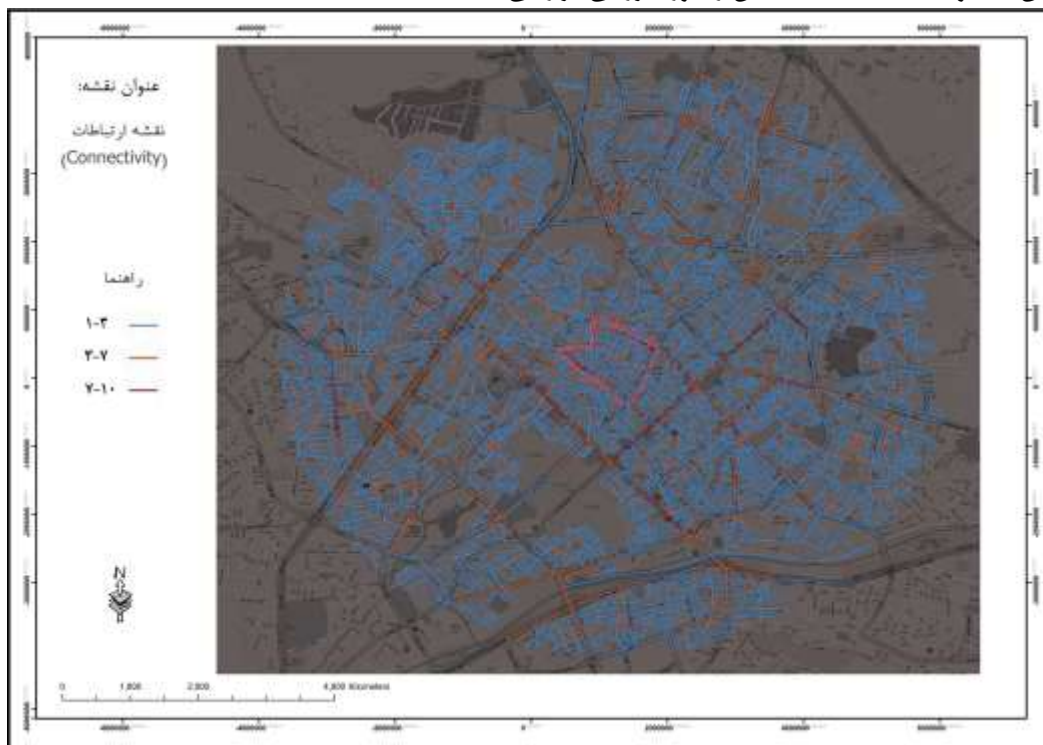


مرحله دوم: نقشه خطوط محوری محدوده مورد مطالعه را به شعاع ۳ کیلومتر (همپیوندی در مقیاس محله‌ای و منطقه‌ای) از مرکز محدوده ترسیم شده و به فرمت dxf، ذخیره شده اند.

مرحله سوم: با استفاده از نرم افزار Depth Map، ۵ دسته آنالیز از این محدوده انجام شده و شاخص‌های همپیوندی در این محدوده به دست آمده اند. نتایج آنالیز بدست آمده را با فرمت mif ذخیره و در نرم افزار QGIS، وارد شده اند. در نهایت با استفاده از ابزار symbology، نتایج بدست آمده از هر شاخص را دسته بندی کرده و نقشه‌های خروجی به شرح زیر تهیه شده اند.

شاخص ارتباطات:

نحوه چیده شدن فضاها در کنار یکدیگر و ارتباط متقابل آنها با یکدیگر می‌باشد. در سطح شهر هرگونه تغییری در نقشه شهر (اضافه یا کم شدن یک فضا مانند یک خیابان، فضای باز و جزء آن)، تغییراتی را در روابط ترتیب فضایی کل شهر ایجاد خواهد کرد. چنین تغییراتی می‌تواند احتمال وقوع فعالیت‌ها و حوادث را دگرگون سازد. چنانچه در شکل ۲ مشاهده می‌شود خیابان‌های عطایی ۲ و سرداران دارای بیشترین میزان ارتباطات و خیابان عسگرخان دارای میزان ارتباط متوسط و سایر شبکه‌های دسترسی داخل دارای میزان ارتباط کم می‌باشند که به دلیل وجود چندین بن‌بست در داخل بافت می‌باشد. بنابراین بطور کلی پیوستگی مجموعه بالا نمی‌باشد. این شاخص جزء شاخص‌های پیوستگی می‌باشد که با توجه به مطالعات انجام شده در این پژوهش می‌توان گفت پیوستگی معیاری محلی می‌باشد، زیرا تنها رابطه بین فضا و همسایه‌های بلافاصلش را مورد بررسی قرار می‌دهد.



شکل (۲). ارتباطات (connectivity)

منبع: نگارندگان.

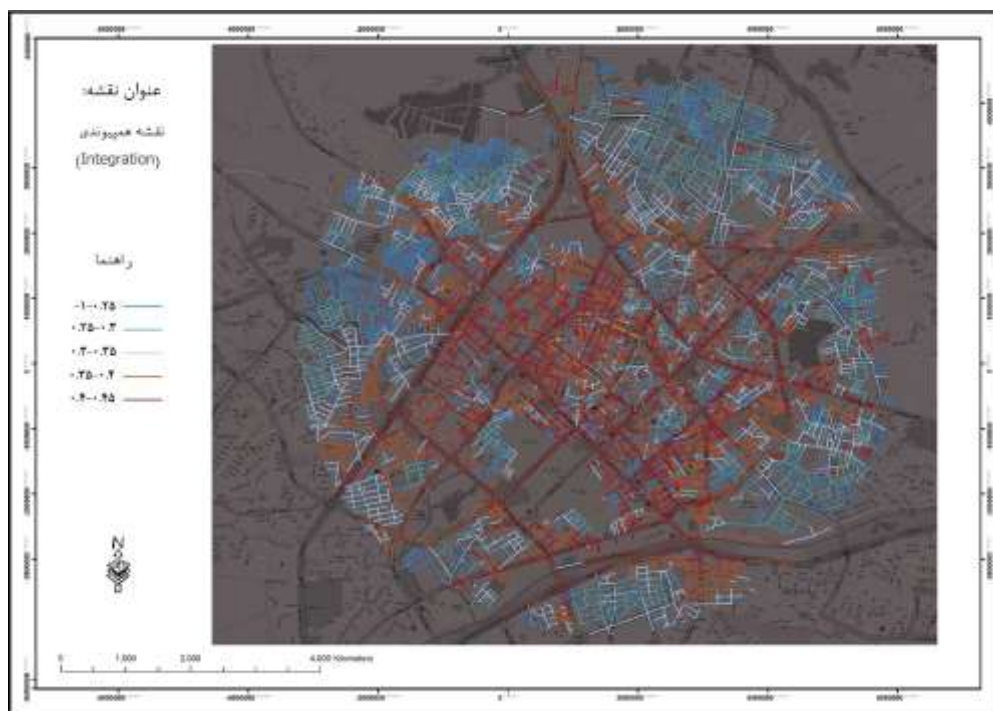
شاخص همپیوندی:

ارزش میزان همپیوندی هر فضا میانگین تعداد تغییر جهاتی است که بتوان از آن فضا به تمام فضاها شهر رسید. و میزان عجین شدن آن فضا با کل شهر را نشان می‌دهد و با میزان عمق رابطه عکس دارد. چگونگی پراکندگی ارزش همپیوندی در سطح شهر با چگونگی عابران در آن بستگی دارد. در این پژوهش، آنالیز همپیوندی خطوط محوری در شعاع ۳ کیلومتر و مقیاس منطقه‌ای و محلی به منظور بررسی میزان یکپارچگی مسیرها در محدوده، کیفیت که راهیابی را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می‌دهد، در نرم افزار دپس مپ انجام شده است (شکل ۳)؛ با توجه به عملکرد و میزان عمق و همپیوندی هر محور، ارتباط بین ساختار محله و عملکرد آنرا با جزئیات

بیشتری از ساختار حرکتی ارائه می‌دهد. همپیوندی زیاد به معنی ارتباط بیشتر این فضاها با سایر فضاها شهری است که نشان‌دهنده استفاده بیشتر این فضاها توسط ساکنین نیز می‌باشد. با توجه به نقشه همپیوندی می‌توان گفت که در محدوده، یکپارچه‌ترین مسیرها و عبارت دیگر در دسترس‌ترین آنها برای راهیابی در محدوده عبارتند از: خیابانهای عطایی ۲، حافظ ۲، عسگرخان، حب نقی، سرداران، مفتوح و مدنی ۲، خیابانهای اصلی محله، می‌باشند. که دارای بالاترین میزان همپیوندی و کمترین میزان عمق هستند.

با نگاهی عمیق‌تر به نقشه همپیوندی به این نکات پی می‌بریم که:

- مراکز اجتماعی و اقتصادی مانند مراکز محلات و منطقه در نقاطی قرار داشته و دارند که از ارزش همپیوندی بالایی برخوردار است.
- طول کم، عدم تداوم و شکستگی‌های متعدد شبکه دسترسی‌ها باعث پایین آمدن ارزش همپیوندی و عمق زیاد فضاها شده است.
- خیابانهای محاط‌کننده بافت که از طول و تداوم به مراتب بیشتری برخوردارند از عمق کمتر نیز برخوردار گشته و ارزش همپیوندی فضاها درون بافت را به سوی خود جذب کرده‌اند.
- خیابان‌هایی که از یکپارچگی کمتری برخوردار هستند، مناسب برای کاربری‌های محلی و بویژه کاربری مسکونی بوده و مسیرهای با یکپارچگی بالاتر برای کاربری‌های تجاری، اداری و ... مناسب می‌باشند.



شکل (۳). همپیوندی (integration)

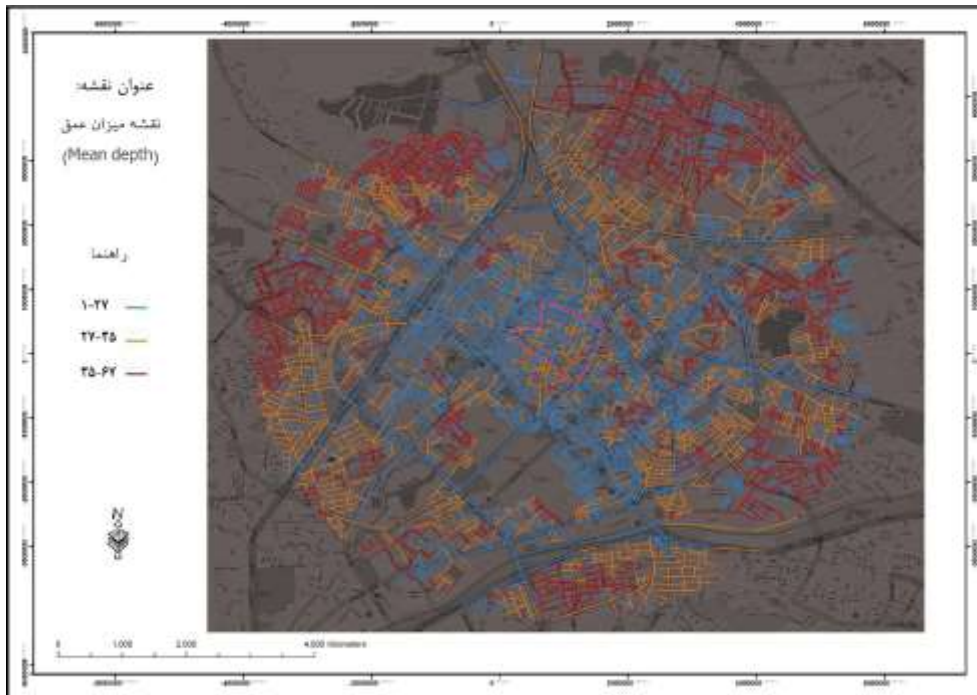
منبع: نگارندگان.

شاخص عمق:

شکل شماره ۴، آنالیزهای نرم‌افزار از بررسی عمق خطوط محوری در محله عسگرخان با شعاع ۳ کیلومتر، می‌باشد؛ بر اساس این نقشه، خطوطی که با رنگ آبی مشخص شده است دارای کمترین میزان عمق و خطوط با رنگ قرمز دارای بیشترین میزان عمق می‌باشند که به معنی این است که برای رسیدن به آنها باید از تعداد زیادی خطوط محوری عبور نمود و کمترین میزان دسترسی را دارند. بنابراین مستعد ایجاد کیفیت‌هایی نظیر دنجی، ... می‌باشند. زیاد بودن نسبی عمق در داخل بافت نشان‌دهنده نفوذپذیری کم محله می‌باشد که این خصوصیت از جمله ویژگی‌های بافت‌های سنتی ایران می‌باشد و حاصل شبکه درهم و تنیده و وجود فضاها پرپیچ و خم



است که با کاستن از نفوذپذیری بصری بافت، از به خوانش درآمدن کلیت فضایی توسط افراد غریبه در یک نگاه جلوگیری نموده و موجبات عدم ترغیب ورود به فضا را فراهم می آورد. عمق زیاد بافت اگرچه موجبات پیوستگی اجتماع درون محله را تقویت می کند و از این راه موجبات جلوگیری از برخی جرائم که توسط افراد غریبه صورت می پذیرد فراهم می نماید اما بیشتر شدن آن نیز از اتصال و ارتباط بافت به کلیت شهر جلوگیری نموده و در صورت عدم مدیریت صحیح فضا می تواند سبب جدا افتادگی بافت و محلی برای کانون های جرم تبدیل شود. اصولاً اینگونه بافت ها و فضاها پیاده مدار بوده، با تقویت پیاده مداری نوعی احساس درگیری و تعامل با محل را در ساکنین ایجاد می نماید و در ضمن پیاده روی، ساکنین را اگر نه ملزم با تعاملات گرم و مکالمات طولانی، به سلام و احوالپرسی و می دارد.

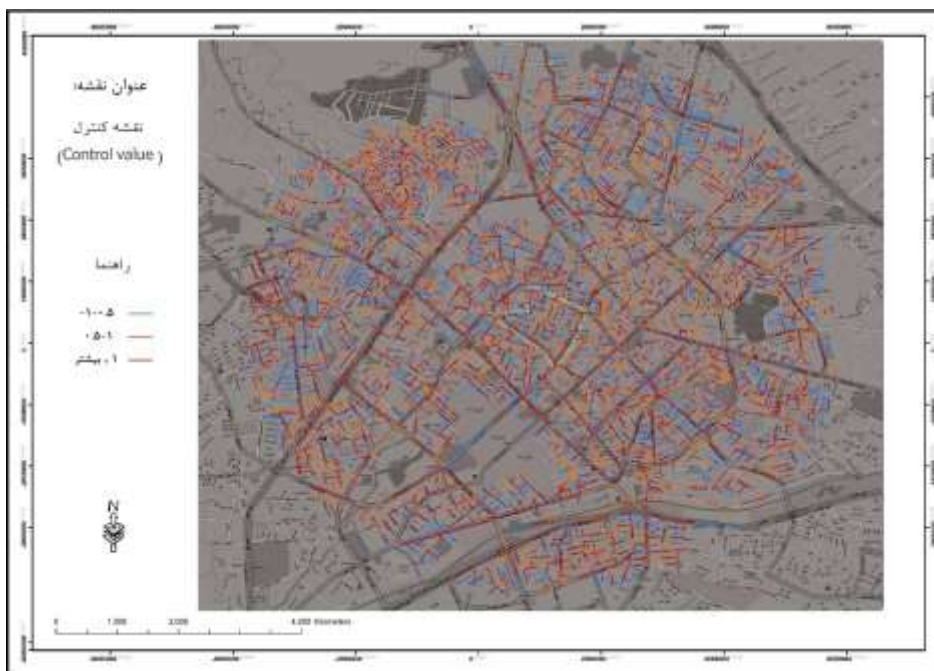


شکل (۴). میزان عمق (mean depth)

منبع: نگارندگان.

شاخص کنترل:

این شاخص درجه کنترل دسترسی یک فضا به فضاهای همسایه بلافاصله را اندازه گیری می کند و در عین حال تعداد ارتباطات بدلیل و گزینه هایی را که هریک از فضاهای همسایه دارند را در محاسبه منظور می کند. با توجه به آنالیزهای نرم افزار از بررسی درجه کنترل خطوط محوری محله عسگرخان که نتایج آن در شکل شماره ۵، قابل مشاهده می باشد، خطوطی که با رنگ آبی مشخص شده است دارای کمترین درجه کنترل و خطوطی که با رنگ قرمز مشخص شده اند، دارای بیشترین میزان درجه کنترل می باشند.

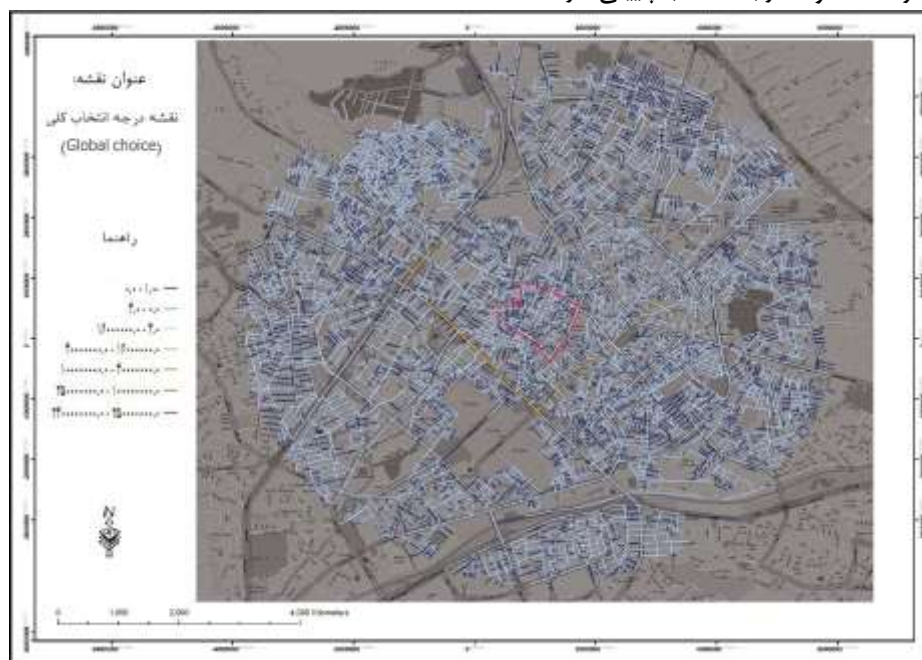


شکل (۵). درجه کنترل (control value)

منبع: نگارندگان.

شاخص درجه انتخاب کلی:

این شاخص میزان جریان عبوری درون یک فضا را اندازه‌گیری می‌کند. هنگامی یک فضا دارای درجه انتخاب بالاست، که تعداد زیادی از راه‌های کوتاه از درون آن عبور نمایند. شکل ۶ نشان می‌دهد که خیابان سرداران درجه انتخاب نسبتاً بالایی برخوردار بوده ولی سایر راه‌های داخل و اطراف محدوده درجه انتخاب پایینی دارند.



شکل (۶). درجه انتخاب کلی (Global choice)

منبع: نگارندگان.



بحث و بررسی

در ادامه نتایج کلی آنالیزهای انجام گرفته توسط نرم‌افزار Depth Map، و نتایج به دست آمده از این تحلیل‌ها، ارائه شده است (جدول ۶). بر اساس این نتایج، خیابان‌های عطایی ۲، سلمان فارسی، سرداران و مدنی ۲ با داشتن همپیوندی بالا و عمق کم خیابان‌های مهمی که در محدوده در مقیاس فرامحلی ایفای نقش می‌کنند، شناخته شده و خیابان‌های عسگرخان، حافظ، مفتوح و سیدجواد به عنوان خیابان‌های محلی که، مردم با نام خیابان عسگرخان محله را می‌شناسند، شناسایی شده‌اند.

جدول (۶). نتایج نهایی بکارگیری روش چیدمان فضایی در محله عسگرخان شهر ارومیه، ماخذ نگارنده: براساس یافته‌های تحقیق

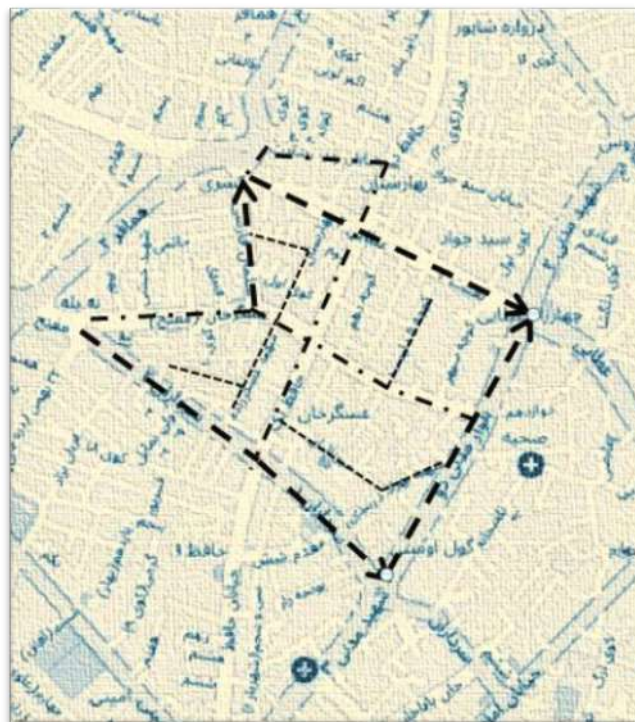
شاخص خیابان	ارتباطات	همپیوند ی	عمق	درجه کنترل	درجه انتخاب کلی
عطایی ۲	۷	۰/۵	۲۲	۲/۹	۲/۵
سلمان فارسی	۶	۰/۴۴	۲۴	۳	۳/۲۵
سرداران	۸	۰/۴۲	۲۵	۰/۷۶	۳/۴
مدنی ۲	۳	۰/۴۲	۲۲	۳/۳	۱/۱
سیدجواد	۴/۵	۰/۴۰	۲۳	۲/۱	۲
عسگرخان	۴	۰/۳۹	۲۵	۱/۶	۱/۵
مفتوح	۳/۶	۰/۴۱	۲۵	۰/۹	۲/۸
حافظ	۳	۰/۴۰	۲۳	۱/۱	۰/۶

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل‌های انجام شده با روش چیدمان فضایی، مسیرهای موجود و مهم محله عسگرخان شهر ارومیه در سه دسته، مسیرهای تیپ ۱، تیپ ۲ و مسیرهای تیپ ۳، تقسیم‌بندی شده‌اند؛ بر اساس مسیرهای شناسایی شده می‌توان مشخص کرد که چه کاربری‌هایی برای کدام مسیرها مناسب هستند و میزان دسترسی و راهیابی هر کدام از این مسیرها به چه شکل و چه میزانی می‌باشد. و همچنین کدام مسیرها ارزش همپیوندی پایینی دارند و باید برای افزایش دسترسی در آنها سرمایه‌گذاری کرد. لذا در این پژوهش نیز بر اساس مسیرهای مهمی که مشخص و شناسایی شده، راهکارهایی جهت ارتقای هویت محله عسگرخان ارائه شده است.

مسیرهای تیپ ۱: مسیرهای این تیپ شامل خیابان‌های عطایی ۲، سرداران، سلمان فارسی و مدنی ۲ می‌باشند که دارای موقعیت ویژه از لحاظ همجواری با عناصر اصلی استخوانبندی (گره، نشانه و ...). این مسیرها از ارزش همپیوندی بالایی برخوردار هستند.

مسیرهای تیپ ۲: خیابان‌های حافظ، عسگرخان، سیدجواد (زند) و مفتوح در این تیپ قرار دارند. مسیرهایی این تیپ با عناصر اصلی استخوانبندی همجوار هستند و نشانه‌های شاخصی در مقیاس محلی دارند.

مسیرهای تیپ ۳: از بقیه مسیرها ارزش همپیوندی پایین‌تری دارند. که در این محدوده خیابان‌های محلی اصلی می‌باشند.



شکل (۶). مسیرهای مهم شناخته شده با استفاده از روش چیدمان فضا

منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

محل‌های شهری از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تقسیمات کالبدی شهر و از کهن‌ترین میراث‌های شهرنشینی به شمار می‌روند؛ از گذشته‌های دور محله‌ها در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند به طوری که هر محله با ارائه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص، موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت داشته باشند تا جاییکه هر شهروند با نام محله‌ای که در آن می‌زیسته، شناخته می‌شد. رشد و گسترش شهرها در سال‌های اخیر و توجه کم به بافت‌های قدیمی شهری، موجب به وجود آمدن آثار منفی مانند کم‌رنگ شدن حس تعلق، تعلق اجتماعی، کاهش روابط همسایگی و در نتیجه کاهش هویت و کاهش کیفیت زندگی شهری در بافت‌های قدیمی شده است.

طبق بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که محله عسگرخان شهر ارومیه از جمله محله‌های قدیمی می‌باشد که در پی ساخت و سازها طی سال‌های اخیر شاهد تغییر و تحولاتی در بافت و کالبد خود بوده است که در نتیجه آن سبب ایجاد تغییراتی در حس تعلق و هویت ساکنان به محله شده است. لذا با توجه به اهمیت هویت در محله مذکور در این پژوهش وضعیت هویت کالبدی و میزان رضایت ساکنین از شاخص‌های کالبدی در محله عسگرخان شهر ارومیه مورد بررسی قرار گرفت و با بکارگیری تکنیک چیدمان فضایی، به ارائه راهکارها و پیشنهادات جهت ارتقای هویت کالبدی در این محله پرداخته شده است.

نتایج حاصل از بررسی‌ها و محاسبات نشان می‌دهد که میزان هویت محله عسگرخان شهر ارومیه با میانگین $3/10$ در حد متوسط می‌باشد و این محله در برآورد ساختن نیازهای ساکنین از لحاظ اصول تضمین‌کننده هویت‌بخشی به محلات، عملکردی در حد متوسط داشته است. اما نتایج ارزیابی رضایت ساکنان محله از شاخص‌های کالبدی حاکی از پایین بودن رضایت آنان در اکثر این شاخص‌ها و وضعیت نامطلوب کالبدی محله می‌باشد؛ میانگین به دست آمده در این بخش $2/56$ می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت پایین‌تر از حد متوسط ۳ بوده و نشان از پایین بودن رضایت مردم از شاخص‌های کالبدی در محله می‌باشد.

نتایج بررسی رابطه بین رضایت از محیط کالبدی و افزایش هویت در بین ساکنین محله با استفاده از آزمون پیرسون نیز نشان داد که بر اساس همبستگی به دست آمده از آزمون مذکور ($0/446$) و همچنین سطح معنی‌داری ($\text{Sig: } 0.000$)، بین هویت محله و شاخص‌های



کالبدی یک رابطه خطی و مثبت وجود دارد؛ به این معنی که با افزایش میزان رضایت مردم از شرایط کالبدی محله خود، هویت محله نیز در پی افزایش حس تعلق خاطر و علاقمندی ساکنین به محیط زندگی خود و ...، افزایش می یابد که بر اساس این نتیجه از روش چیدمان فضایی جهت انتظام فضایی و افزایش هویت در بین ساکنین محله عسگرخان، استفاده شد؛ نتایج تکنیک چیدمان فضایی، نشان دهنده این امر می باشد که برای حفظ هویت محله ای، میبایستی میزان عمق محورهای فرعی داخل محدوده تا حدی بالا بوده، تا ورود افراد غریبه به محله کاهش یافته و برخوردهای اجتماعی بیشتری میان ساکنین انجام پذیرد. طول معابر داخل محدوده نیز نبایستی به گونه ای باشد که مردم به سختی در داخل محله پیاده از جایی به جایی دیگر بروند. از سوی دیگر همپیوندی در خیابان های اصلی محله باید بالا بوده و عمق آن ها کم باشد تا محله بتواند با کل فضاهای شهری در ارتباط باشد. با توجه به نتایج بدست آمده، پیشنهادات ذیل جهت ارتقای هویت کالبدی محله عسگرخان ارومیه بیان می گردد:

- ایجاد مکان هایی که بتوانند خاطره جمعی در اذهان تولید کنند از قبیل مکان هایی با بناهای یادمانی و شاخص، فضاهای باز جمعی و نظایر اینها که در ایجاد وابستگی و تعلق به مکان برای شهروندان مؤثرند.
- ارتقای کمی و کیفی نظام توزیع کاربری ها و ایجاد سرزندگی از طریق اختلاط کاربری های مورد نیاز رفاه عمومی نظیر کاربری ورزشی و استفاده مناسب از فضاهای متروک و مخروبه و بایر
- بهسازی واحدهای مسکونی توسط مالکین با پشتیبانی و حمایت بخش عمومی و دولتی از طریق دادن تسهیلات بانکی
- ایجاد و تقویت پیوند گذشته و حال از طریق عناصر قدرتمند واسط
- همانطور که مطالعات نشان می دهد سازگاری زیادی بین عرض کم معابر و ساختمان های جدید با ارتفاع بلند وجود ندارد، به همین دلیل معابر باید با توجه به نیاز طراحی شود تا مالکان انگیزه بیشتری برای نوسازی داشته باشند.
- مقابله با فرسودگی و ایجاد بناهای نو متناسب با چهره بافت قدیم
- برای افزایش استفاده از کاربری ها و فضاهای محله ای برای ایجاد روابط اجتماعی و هویت قوی تر، باید این فضاها در نقاطی قرار یابند که بیشترین همپیوندی را دارا می باشند.
- در کنار مسیرهای تیپ ۲، عناصر و نشانه های محلی استفاده گردد تا خوانایی محله افزایش یابد.
- اگر قرار باشد که کاربری ای در محله در سطح فرامحلی عمل کند، این کاربری ها باید در کنار مسیرهای تیپ ۱، طراحی شوند. شایان ذکر است که مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «هویت بخشی محله از طریق چیدمان فضایی؛ نمونه موردی محله عسگرخان ارومیه» با همکاری نویسندگان می باشد.

منابع

- بلایی اسکویی، آریتا؛ قره بگلو، مینو و حیدری ترکمانی، مینا (۱۳۹۹)، بررسی عناصر شکل دهنده هویت کالبدی بر اساس نقشه‌های شناختی شهروندان، مورد مطالعاتی: محله دوچی تبریز، معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۳۳، صص ۲۷-۴۰.
- پیمانی، علی و ذوالقدر، مارال (۱۳۹۰)، کاربرد روش چیدمان فضا در ارزیابی طرح‌های توسعه شهری- نمونه مطالعاتی: طرح جامع جدید کلان شهر تهران و طرح تفصیلی مناطق شهرداری تهران (منطقه ۱۹)، مجله صفا، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- جهانی دولت آباد، رحمان (۱۳۹۳)، بررسی اثرات هویت محله ای بر میزان جرائم شهری (مورد پژوهش شهر ورامین)، فصلنامه دانش/انتظامی شرق تهران، سال اول، شماره یک، صص ۱۰۰-۸۱.
- جهانی دولت آباد، رحمان؛ شمعی، علی و جهانی، اسماعیل (۱۳۹۲)، سنجش میزان هویت محله ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۲۱۰-۱۹۱.
- جهانی، مرضیه (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط میان هم پیوندی ساختار فضایی و توسعه یافتگی بافت تاریخی شهرها با بهره گیری از روش چیدمان فضا (نمونه موردی گرگان- ایران)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حسین آبادی، سعید؛ سلمانی مقدم، محمد و نوری دشتیان، مریم (۱۳۹۸)، هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی نمونه مطالعه: محله کلاه فرنگی سبزوار، فصلنامه علمی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا) سال نهم، شماره دوم، (پیاپی ۳۴)، صص ۱۱۰-۸۹.
- خدابخش، محمدحسین؛ نوروزی ثانی، پرویز و حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۹۹)، تحلیلی بر توزیع فضایی میزان برخورداری مناطق شهر تبریز از شاخص‌های رشد هوشمند شهری، نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۲۴، شماره ۷۳، صص ۸۰-۱۵۷.
- رحمانی، جعفر و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۵)، تحلیل و بررسی شاخص های مؤثر در هویت محله (نمونه موردی: محله مسگرهای شهر زنجان)، معماری و شهرسازی پایدار، سال چهارم، شماره اول، صص ۳۰-۱۹.
- روشنی، مهدی و ثقفی اصل، آرش (۱۳۹۵)، تحلیل تطبیقی ساختار اصلی شهر تبریز از اواخر دوره قاجار تا معاصر با استفاده از تکنیک چیدمان فضایی، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۲، صص ۷۲-۵۷.
- زارعی، آرزو و عرفانی، عطالله (۱۳۹۷)، بررسی عوامل اثرگذار در طراحی جداره سازه‌های سنتی در ارتقاء حس تعلق به مکان، دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره دو (پیاپی ده)، جلد یک، صص ۲۴-۱۳.
- زلفی گل، سجاد و سجادزاده، حسن (۱۳۹۶)، بررسی نحو فضایی ساختار محله‌های سنتی با نگرش محرک توسعه (نمونه موردی: محله حاجی شهر همدان)، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۸، پیاپی ۶۸، شماره ۴، صص ۷۰-۵۳.
- زنگنه، یعقوب؛ زنگنه شهرکی، سعید؛ خدابنده لو، حسن و عباسی فلاح، وحید (۱۳۹۷)، تحلیلی بر نقش رشد هوشمند شهری در تقویت هویت محله ای (مورد شناسی: محلات ناحیه ۵ و ۶ منطقه ۲ شهرداری تهران)، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، شماره ۲۹، صص ۲۱۴-۲۰۱.
- سلیمی، امیررضا (۱۳۹۹)، بررسی نقش قلمروی محله در افزایش حس تعلق خاطر به محیط زندگی و تقویت تعاملات اجتماعی، معماری شناسی/نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران، سال سوم، شماره ۱۶، صص ۶-۱.
- شیعه، اسماعیل و حاجیانی، مهسا (۱۳۹۸)، تاثیرات مگامال ها بر هویت محله ای در شهر تهران مطالعه موردی: اطلس مال نیاوران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، سال نهم شماره سی و ششم، صص ۸۱-۶۹.
- صالحی زلانی، سعید؛ هاشمی، علی و میرزاد، عباس (۱۳۹۸)، بررسی هویت شهری ایلام و مؤلفه‌های هویت بخش آن، فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، دوره بیستم، شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۱۴۱-۱۱۸.
- طبرسا، محمدعلی؛ پاسیان خمزی، رضا و حسینی فوجردی، سیدمحسن (۱۳۹۷)، کاربرد تکنیک چیدمان فضا برای مقایسه تطبیقی میان ساختار فضایی بافت های تاریخی و توسعه های جدید شهری (نمونه پژوهش: بافت تاریخی و شهرک فرهنگیان گرگان)، نشریه علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی ایران، دوره ۹، شماره ۱۶، صص ۱۶-۵.
- عنانپاد، محمود؛ غلامعلی زاده، حمزه و اسدی ملک جهان، فرزانه (۱۳۹۸)، سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله شهری، مطالعه موردی: محله قدیمی ساغریسازان رشت، دو فصلنامه علمی- پژوهشی، پژوهش های بوم شناسی شهری، سال دهم، شماره ۱، پیاپی ۱۹، صص ۸۸-۷۳.

- غلامی، محمد و حیاتی، عقیل (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی؛ محله اوین شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۳۰، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- کاظمینی، سیده میترا؛ غفوریان، میترا و حصارى، الهام (۱۳۹۹)، بازشناسی عوامل اجتماعی موثر بر هویت‌مندی در محلات قدیمی ایرانی (مطالعه موردی محله شنبدی بوشهر)، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره بیست و ششم، سال هشتم، صص ۴۲-۲۷.

- Eben Saleh, M. A. (2000), **The architectural form and landscape as a harmonic entity in the vernacular settlements of Southwestern Saudi Arabia**. Habitat International, Vol. 24, pp. 411-453.
- Hillier, B. (2007), Space is the machine, **A configurational theory of architecture Space Syntax**.
- Hillier, B., & Vaughan, L. (2007), **The city as one thing**. Progress in Planning, Vol. 67, No. 3, pp. 205-230.
- Musa, M. (2013), **Globalization, Identity, and the Urban Built Environment: A Theoretical Context**, University of Sharjah.
- Hathaway, Z. (2013). **Neighborhood Identity and Sustainability: A Comparison Study of Two Neighborhoods in Portland, Oregon**, Dissertations and Theses, pp. 683.
- Ujang, N. (2008), **Place Attachment, Familiarity and sustainability of urban place identity**, Department of Land scape Architecture, University putra Malaysia.
- Topçu, K. (2011), **kent kimliği üzerine bir araştırma: Konya örneği**, Uluslararası insan bilimleri dergisi, Vol. 8, No. 2, pp. 1048-1072.
- Kayapak, Ş. (2010), **Atakyanın kent kimliği açısından irdelenmesi**, Mustafa Kemal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, Vol. 7, No. 14, pp. 373-392.
- Penchev, G. (2016), **Using Space Syntax For Estimation Of Potential Disaster Indirect Economic Losses**, Comparative Economic Research, Vol. 19, No. 5, pp. 125-142.